

## فرا تحلیل کیفی مقالات پژوهشی حوزه توانمندسازی زنان روستایی و شهری در ایران

مهدی کرمانی\*

استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران

محسن نوغانی دخت بهمنی

دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران

زهرا برادران کاشانی

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

پژوهش حاضر در صدد بررسی و فرا تحلیل کیفی مطالعات حوزه توانمندسازی زنان روستایی و شهری بود. بر این اساس در گام نخست تمامی مقاله‌های علمی-پژوهشی با کلیدواژه‌های توانمندی و توانمندسازی در بازه زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ از پایگاه اطلاعاتی علمی جهاد دانشگاهی و پایگاه استنادی نورمگز استخراج شد که شصت مقاله را در بر می‌گرفت. در ادامه چهل و دو مقاله‌ای که شامل واژه‌های زنان روستایی یا زنان شهری در عنوان، چکیده یا کلمات کلیدی بودند، برای استخراج داده‌ها و بررسی بیشتر گزینش شدند. طبق یافته‌های تحقیق حاضر، مطالعات این حوزه دو جهت‌گیری کلی دارند، گروهی از آن‌ها به دنبال تحلیل نظری و ارائه مدل‌های مداخله‌ای برای توانمندسازی گروه‌های مورد نظر بوده‌اند. گروهی دیگر به بررسی فرایند توانمندسازی زنان، به لحاظ تجربی با در نظر گرفتن نمونه‌های متفاوت از زنان روستایی و شهری توجه کرده‌اند. در مجموع عواملی همچون تحصیلات، اشتغال، داشتن مهارت‌های اجتماعی، اعتماد به نفس، خودارزشمندی و بهره‌مندی از آموزش‌های عمومی از عوامل مؤثر بر توانمندشدن زنان روستایی و شهری بوده‌است. این یافته‌ها با نتایج مورد تأکید در بسیاری از تحقیقات غیر ایرانی در حوزه توانمندسازی زنان نیز مطابقت دارد.

### واژگان کلیدی

توانمندسازی، زنان روستایی، زنان شهری، فرا تحلیل کیفی

\* نویسنده مسئول m-kermani@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۲

تاریخ ارسال: ۱۳۹۶/۹/۲۴

## مقدمه و بیان مسأله

توانمندسازی فرآیندی است که در آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها بر مسائل و مشکلاتی کنترل می‌یابند که با آن مواجه هستند. در واقع توانمندسازی فرایند قدرت‌دهی به افراد محسوب می‌شود (رهنورد و حسینی ۱۳۸۷). علاقه به مطالعه پدیده توانمندسازی و توجه به آن در بین محققان علوم اجتماعی در سال‌های اخیر افزایش یافته‌است، زیرا از یک سو توانمندی موجب افزایش کیفیت زندگی انسان می‌شود و از سوی دیگر اثربخشی او را در دو بعد کمی و کیفی زندگی اجتماعی بالا می‌برد (کولایی و طاهری، ۱۳۸۹؛ وطن‌خواه نوغانی، قاسمی و جوان، ۱۳۹۵).

بحث توانمندسازی زنان در دو دهه گذشته به شکل چشم‌گیری افزایش یافته‌است (به عنوان مثال مراجعه شود به کیمیایی، ۱۳۹۰؛ علیرضائزاد، ۱۳۹۲؛ تاج‌الدین و والا، ۱۳۹۳؛ راغفر و سلیمانی، ۱۳۹۵). بر اساس تحقیقات به عمل آمده در ایران، زنان به‌ویژه زنان سرپرست خانوار در بعد روانی و اجتماعی عموماً توانمندی پایین‌تری نسبت به مردان دارند (شکوری، ۱۳۸۷؛ شکوری، رفعت‌جاه و جعفری، ۱۳۸۶؛ رهنورد و حسینی، ۱۳۸۷)، همچنین سطح تحصیلات و آموزش آن‌ها پایین‌تر از مردان است (قلی‌پور و رحیمیان، ۱۳۸۸؛ کلدی و سلحشوری، ۱۳۹۱). از سوی دیگر توانمندی اقتصادی این دسته از زنان نیز به نسبت دیگران پایین‌تر است (نوغانی، برادران، اصغری‌پور و کرمانی، ۱۳۹۴؛ کرمانی، خراسانی، بهروان و نوغانی، ۱۳۹۲)، در واقع به‌طور کلی پایین بودن مهارت‌های اقتصادی - تولیدی زنان، عامل جنسیت و عدم حمایت دولت از زنان کارآفرین، اعتماد به نفس پایین، محدود بودن مشارکت زنان در عرصه اقتصادی و سیاسی، ضعف حمایت‌های اجتماعی از سوی خانواده، ضعف احساس خود ارزشمندی و مواردی از این دست کاهش سطح توانمندی زنان را به دنبال داشته است (کلدی و سلحشوری، ۱۳۹۱؛ الهیاری و اسدی، ۱۳۹۳؛ راغفر و سلیمانی، ۱۳۹۵؛ خواجه نوری، کریمی و کشاورزی، ۱۳۹۳؛ صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵).

در شرایط موجود با توجه به تعداد نسبتاً توجه‌برانگیز تحقیقات حوزه توانمندسازی زنان (اعم از زنان روستایی و زنان شهری) در ایران در دو دهه گذشته و مواجه شدن جامعه علمی با تعدد و انباشتگی نظریات در حوزه توانمندسازی زنان، به نظر می‌رسد وقوف و احاطه کامل بر ابعاد مختلف توانمندسازی زنان نیازمند مروری جامع بر آثار این حوزه باشد. فراتحلیل نیز با

جمع‌آوری یافته‌های پژوهشی از مطالعات مختلف در حوزه‌ای خاص در صدد ترکیب و یکپارچه‌سازی آن‌ها بر می‌آید تا از این طریق بتواند به یافته‌های جدیدی دست یابد (شفیعا، شفیعا و کاظمیان، ۱۳۹۲؛ خلعتبری، ۱۳۸۷). بنابراین، تحقیق حاضر که با هدف بررسی و فراتحلیل مقالات پژوهشی ایرانی (منتشر شده در پایگاه اطلاعاتی نورمگز و جهاد دانشگاهی در بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۵) با موضوع توانمندی زنان روستایی و شهری صورت گرفته است، در صدد پاسخگویی به سؤال‌های زیر است:

- محققان حوزه توانمندسازی زنان روستایی و شهری چه ابعادی از توانمندی را در مطالعات خود (مقالات منتشر شده از سال ۱۳۷۵ - ۱۳۹۵) بررسی کرده‌اند؟
- رویکردهای روش‌شناختی به کار رفته در پژوهش‌های حوزه توانمندسازی زنان روستایی و شهری چه بوده است؟
- پژوهش‌های حوزه توانمندسازی زنان روستایی و شهری عمدتاً از چه پارادایم‌های نظری بهره برده‌اند؟
- پژوهش‌های حوزه توانمندسازی زنان روستایی و شهری در بازه زمانی مذکور عمدتاً به چه نتایجی رسیده‌اند؟

پژوهش‌های موجود در حوزه توانمندسازی زنان روستایی در ایران عمدتاً به چالش‌هایی همچون عدم اعتماد مردان به زنان، زیاد بودن مشغله کاری در داخل منزل، پایین بودن مهارت‌های اقتصادی زنان روستایی، عدم حمایت دولت از زنان کارآفرین، عامل جنسیت و اعتماد به نفس پایین به عنوان عوامل مؤثر در کاهش توانمندی زنان تأکید کرده‌اند (کلانتری، شعبانعلی فمی و سروش مهر، ۱۳۸۹؛ جلیلیان و سعدی، ۱۳۹۴؛ رزافشانی، علی بیگی و فقیری، ۱۳۹۱؛ شریفی، اسدی، کلانتری و آگهی، ۱۳۸۹؛ موحدی و علی توکلی، ۱۳۹۶).

همچنین تحقیقات نشان داد که فقدان روحیه مشارکت در زنان روستایی و فرهنگ موجود در روستا باعث ایجاد محدودیت برای زنان روستایی می‌شود، به علاوه ضعف آگاهی و دانش که ناشی از ضعف بودن سیستم آموزشی در روستا است، در میان زنان روستایی نیز از عوامل مؤثر بر کاهش توانمندی آن‌ها شناخته شده است (بیدهندی، اسکندری توده و خانی، ۱۳۹۱؛ فرضی‌زاده، متوسلی و طالب، ۱۳۹۲). همچنین بر اساس پژوهش‌های موجود در این حوزه می‌توان گفت که آموزش و تحصیلات بالا، خوداشتغالی، استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی

و ... باعث افزایش خودآگاهی زنان و افزایش قدرت انتخاب و تصمیم‌گیری در آن‌ها می‌شود که در نهایت توانمندی آنها از این فرایند حاصل می‌شود (چرم‌چیان لنگرودی و علی‌بیگی، ۱۳۹۲؛ سبک بار، نعمتی و خاکی، ۱۳۹۱).

عمده تحقیقات انجام شده در حوزه توانمندسازی زنان شهری نیز با روش کمی انجام شده بود، از تعداد ۳۰ مقاله علمی-پژوهشی که در این حوزه بود، تعداد ۲۰ مقاله با روش کمی و باقی با روش‌های کیفی یا تلفیقی (کمی-کیفی) انجام شده بود. نتایج موجود در این حوزه نشان دادند که افزایش حمایت اطلاعاتی، گسترش شبکه‌های دوستی در میان زنان، ارتقاء شرایط جسمانی، درک جایگاه جنسیتی آن‌ها و تفاوتشان با مردان، ایجاد فرصت برای کسب دانش توسط زنان، ایجاد اشتغال، ارتباطات اجتماعی بیشتر، کنترل بیرونی بر دیگران اعم از خانواده یا همکاران در محیط شغلی زنان، طرح‌های درآمدزایی و وام، سهام عدالت و کمک‌های غیر نقدی، حذف کلیشه‌ها و موانع فرهنگی و غیره می‌تواند از عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان شهری باشد (به عنوان مثال مراجعه شود به شکوری، ۱۳۸۷؛ ناخدا، رحیمیان و اسماعیلی گیوی، ۱۳۹۳؛ نوری، کریمی و کشاورزی، ۱۳۹۳، رحیمیان و قلی‌پور، ۱۳۸۸؛ قادری و ودادهیر و چمنی، ۱۳۹۱). همچنین در برخی از تحقیقات بررسی شده در این پژوهش، به سطوح مختلف توانمندسازی توجه کرده و از توانمندی اقتصادی، توانمندی روانی، توانمندی اجتماعی، توانمندسازی سیاسی سخن گفته‌اند. در این میان به توانمندی اجتماعی و اقتصادی زنان، خصوصاً زنان سرپرست خانوار بسیار تأکید شده و نتایج در حوزه این تحقیقات نشان داد از مهم‌ترین مشکلات زنان محدود بودن درآمدها است که این به کاهش سطح توانمندی اقتصادی آن‌ها منجر می‌شود (مراجعه شود به کیمیایی، ۱۳۹۰؛ قلی‌پور و رحیمیان و میرزمانی، ۱۳۸۷؛ اله‌یاری و اسدی، ۱۳۹۲).

پژوهش‌های غیر فارسی مرتبط با توانمندسازی زنان نیز عموماً با رویکرد کمی انجام شده و جامعه هدف آن‌ها بیشتر زنان کشورهای آسیایی بوده‌است. نتایج این تحقیقات مؤید آن است که عواملی مانند تحصیلات، سطح اعتماد به نفس، کنترل زن بر پس‌اندازهای خانواده، داشتن روحیه کارآفرینی، محدودیت‌های خانوادگی برای زنان در راستای ایجاد اشتغال، راه‌اندازی کسب و کارهای کوچک، اشتغال زنان، مراقبت‌های بهداشتی، ایجاد سازمان‌های حمایتی، مطلع شدن زنان از حقوق خود، دادن حق تصمیم‌گیری به زنان و رابطه متقابل مردان با زنان از یک

سو و آگاهی مردان از حقوق زنان از سوی دیگر از عوامل مهم در ارتقاء توانمندسازی زنان است (مراجعه شود به اشرف، کارلان و بین، ۲۰۰۹؛ باربر و گرتلر، ۲۰۰۸؛ دونتا، نایر، بگیوم و پراکسام، ۲۰۱۶؛ کارماکار و خانیتا، ۲۰۱۵؛ محمود، شاه و بکر، ۲۰۱۱، پال و دویتا، ۲۰۰۳؛ ساماراکون و پاریندیوری، ۲۰۱۴). بخشی دیگر از یافته‌های این مطالعات نشان داد که نابرابری‌های جنسیتی، مقاومت مردان در برابر ارائه فرصت‌های یکسان به زنان و نابرابری در دسترسی به حقوق و منابع یکسان برای زنان می‌توانند به عنوان عوامل مؤثر در راستای کاهش سطح توانمندی زنان عمل کنند (یونگ و واهاج، ۲۰۱۲؛ دونتا، نایر، بگیوم و پراکسام، ۲۰۱۶؛ ساماراکون و پاریندیوریال، ۲۰۱۴؛ کبیر، ۲۰۱۲؛ کبیر، ۲۰۱۷).

همچنین در جستجوهای صورت گرفته در بازه زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۵ فراتحلیلی مشاهده نشد که به طور مستقیم موضوع توانمندسازی زنان روستایی و شهری را در ایران بررسی کرده باشد. در عین حال کلهر (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی در تهران (زنان سرپرست خانوار)، پس از بررسی سیاست‌ها، قوانین و تشکیلات مصوب مربوط به حوزه زنان سرپرست خانوار، توصیفی از پراکندگی این زنان در سطح شهر تهران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۵ بر اساس شاخص‌های جمعیت‌شناختی ارائه کرده است. مهم‌ترین بخش این پژوهش به فراتحلیل پانزده تحقیق مرتبط با وضعیت زنان سرپرست خانوار اختصاص دارد. از این بین یازده مورد پایان نامه و چهار مورد پژوهش‌های سازمانی بوده است (کلهر، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۷). نتایج این تحقیق به قرار زیر بود:

- مهم‌ترین علت سرپرستی زنان بر خانوار طلاق بوده است که حدود ۴۰ درصد از نتایج تحقیقات مختلف را به خود اختصاص داده است.
- نزدیک به ۶۰ درصد زنان سرپرست خانوار مورد مطالعه از خانواده فامیل و آشنایان به ویژه پدر و مادر کمک و حمایت مالی دریافت کرده‌اند، اما تنها ۸ درصد ایشان مجموعه حمایت‌های دریافتی از این طریق و سایر منابع حمایتی را کافی دانسته‌اند.
- فقر و محرومیت به واسطه نداشتن مهارت شغلی، پایین بودن سطح سواد، عدم تسلط به مهارت‌های زندگی و مواردی از این دست به عنوان پدیده‌ای فراگیر، زندگی بخش عمده‌ای از زنان سرپرست خانوار را تحت تأثیر قرار داده است.
- در بین مشکلات اقتصادی، معضل مسکن یکی از موارد اصلی بوده است که هزینه‌های

مربوط به آن بر دامنه فقر و محرومیت زنان سرپرست خانوار افزوده است (کلهر، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۰).

همچنین آلسوپ و دیگران (۲۰۰۶) در فراتحلیلی به ارزیابی تحقیقات اجرا شده در حوزه توانمندسازی در کشورهای مختلف اقدام کرده‌اند. از دستاوردهای مهم این تحقیق تأیید نسبی بودن شاخص‌های مورد آزمون برای تعیین میزان توانمندی جامعه هدف در مطالعات مختلف است. در مجموع این تحقیقات، تعاریف مختلف از مفهوم توانمندی و روش سنجش این مفاهیم ارائه داده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت که توانمندی به دست آوردن توان اثرگذاری بر رخدادهای مهم در زندگی است و حد و حدودی را مشخص می‌کند که گروه‌هایی از مردم در آن توانایی کنترل بر سرنوشت خود را دارند. همچنین می‌توان گفت که توانمندی به طور کلی می‌تواند در سه سطح خرد (نگرش‌ها، احساسات و مهارت‌ها)، سطح بین فردی (مشارکت‌ها و مهارت‌ها)، و سطح کلان (باورهای عمومی، اقدامات و اثرگذاری‌های کلان) اتفاق بیافتد. همچنین در سطوح محلی می‌توان گفت که توانمندی به معنای داشتن صلاحیت و توان انجام اموری است که اعضا یک اجتماع محلی می‌خواهند آن‌ها را انجام دهند. در واقع به نوعی توانمندسازی توانایی پاسخگو کردن نهادهایی است که به زندگی افراد تأثیر می‌گذارند. همچنین در سطح اجتماعی نیز توانمندی به معنای بسط دسترسی‌ها و توانایی‌های افراد فقیر برای مشارکت، مذاکره، اثرگذاری، کنترل و پاسخگو کردن نهادهایی است که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کار، پاسکول و چیکرینگ (۱۹۹۹) در فراتحلیل خود، شرایط، عوامل و روش‌های توانمندسازی زنان و مادران و ارتقاء سلامت آن‌ها را بررسی کرده‌اند. در این تحقیق ۴۰ مطالعه موردی از سراسر جهان بررسی شده است. توجه به حقوق بشر، حقوق برابر زنان، تقویت بنیه اقتصادی آن‌ها، ارتقاء حقوق زنان، آموزش، حمایت از زنان، وجود سازمان‌ها و انجمن‌های حمایتی و آموزش‌های توانمندسازی از مواردی است که سطح توانمندی زنان را ارتقاء می‌دهد.

در میان محققانی که به این حوزه ورود پیدا کرده‌اند، راجع به تعریف توانمندسازی اجماع کاملی مشاهده نمی‌شود. اما تعاریف و نظریات متعددی درباره این موضوع وجود دارد. سن (۱۹۹۳)، معتقد است که توانمندسازی مشتمل بر تغییر و تحولاتی در روابط موجود قدرت

است که حق انتخاب و استقلال زنان را محدود و مقید کرده و بر کیفیت عینی و ذهنی زندگی ایشان اثرات نامطلوبی بر جای می‌گذارد. همچنین از نظر کبیر (۲۰۰۱) توانمندسازی گسترش و تعمیم توانایی انسان‌هاست که در انتخاب گزینه‌های سرنوشت‌ساز در زندگی و در مواقع و شرایطی این توانایی از آن‌ها دریغ شده‌است.

از مدل‌های نسبتاً مطرح در حوزه توانمندسازی می‌توان به مدل‌های نظری سارا لانگه و نایلا کبیر اشاره کرد. لانگه ضمن تأکید بر اینکه برابری (جنسیتی) می‌بایست موضوع کانونی هرگونه برنامه توسعه‌ای پیرامون مسائل زنان باشد، به بخش زیادی از ادبیات نظری موجود در حوزه توسعه این نقد را وارد می‌کند که اغلب آن‌ها برابری را با توجه تقسیم‌بندی‌های رایج از بخش‌های رایج از بخش‌های مختلف اقتصاد و جامعه همچون تحصیلات، استخدام، موازین قانونی و مانند این‌ها تعریف می‌کنند. به عقیده لانگه این شیوه تحلیلی با تمرکز بیش از حد بر شاخص‌های مختلفی که بعضاً معرف جنبه‌های محدودی از کل حیات اجتماعی هستند، نگاه‌ها را از نقش مهم برابری بیشتر زنان و مردان در پیشبرد فرآیند توسعه باز می‌دارد. بر این اساس او مدل مفهومی پنج سطحی را ارائه می‌کند که می‌تواند مبنایی برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی زنان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی باشد. پنج سطح مورد نظر لانگه عبارت از رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل است (لانگه، ۱۹۹۱: ۱۵۰-۱۵۱). همچنین به عقیده کبیر مفهوم قدرت تناظر تنگاتنگی با توانایی‌گریز دارد. بر این اساس توانمندسازی گسترش توانایی افراد برای اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی در زندگی و زمینه‌هایی که پیش‌تر این توانایی از آن دریغ شده‌است (کبیر، ۱۳۸۹: ۱۴). او در تعریف مفهوم توانمندی از سه‌گانه عاملیت، منابع و دستاوردها بهره می‌گیرد (کبیر، ۲۰۰۳: ۱۷۱). منابع به وجود آورنده شرایطی هستند که انتخاب تحت تأثیر آن اتفاق می‌افتد. عاملیت نشان‌دهنده اصلی و به نوعی کانون فرآیند‌گزینه‌گری است و بلاخره دستاوردها معرف نتایج برآمده از انتخاب‌های مختلف هستند (کبیر، ۱۳۸۹: ۱۵). ابعاد سه‌گانه توانمندی از نظر کبیر با یکدیگر روابط متقابلی دارند. به طوری که تغییر در هر یک از آن‌ها می‌تواند هدایتگر در ابعاد دیگر باشد (کبیر، ۲۰۰۳: ۱۷۵).

به عقیده بنت توانمندسازی معرف رویکردهای مبتنی بر بسیج اجتماعی است. یکی از عناصر کلیدی در بیشتر این رویکردها کمک به افراد طرد شده برای به فعلیت رساندن قدرت



حاصل از عمل جمعی آنها است. در اغلب موارد رویکردهای مذکور، از پایین به بالا و با هدف رساندن صدا و تقاضای گروه‌های متنوعی از فقرا و شهروندان مطرود (به لحاظ اجتماعی) عمل می‌کنند. در عین حال بسیج اجتماعی می‌تواند مشتمل بر ائتلاف‌هایی برای تغییر بین گروه‌های مطرود و شهروندان دارای وضعیت بهتر و نیز خواستار جامعه‌ای برابرتر و یا دارای دیگر علائق مشترک با طردشدگان باشد (کرمانی، ۱۳۹۵).

کاتانو و چپمن<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) مدل فرایندی سه مرحله‌ای از توانمندی مشتمل بر تعریف اهداف روشن و قدرتمند برای توانمندسازی جامعه هدف، انجام اقدامات لازم برای رسیدن به اهداف تعیین شده و نهایتاً رصد و بازاندیشی درباره تأثیر اقدامات مرتبط با دستیابی به اهداف ارائه داده‌اند. این مراحل در هر سطح معین از تلاش برای توان افزایش گروه‌های هدف در ارتباط با یکدیگر خواهند بود. به باور این نظریه‌پردازان دستاوردهای توانمندی متضمن صورتی از قدرت‌یابی است که در قامت ترکیبی پویا از ارتقای خودکارآمدی، افزایش شایستگی و بالارفتن سطح دانش و آگاهی افراد جلوه‌گر می‌شود.

آلسوپ، برتلسون و هالند<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، با در نظر گرفتن توانمندی به عنوان ظرفیت افراد یا گروه‌ها در اخذ تصمیمات مؤثر و جریان دادن این تصمیمات به سوی کسب مطلوبیت‌ها و دستاوردهای مورد نظرشان، آن را تحت تأثیر دو عامل کلیدی شامل عاملیت و ساختار فرصت‌ها می‌دانند که دارای برهمکنش و روابط درونی جدی نیز هستند. به عبارتی مختصر می‌توان عاملیت را توان بالقوه‌گزینش‌گری و ساختار فرصت‌ها را گزینه‌های محتمل برای انتخاب شدن در موقعیت‌ها و در راستای دستیابی به اهداف مختلف دانست.

در هر صورت باید توجه داشت که توانمندسازی در خلاء رخ نمی‌دهد. به عبارت دیگر موفقیت هر فرایند توانمندسازی وابسته به تناسب آن با زمینه‌ای است که در آن جریان می‌یابد. همان‌گونه که آستانا<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) تأکید دارد، هر چند در بسیاری موارد پروژه‌های توانمندسازی می‌توانند در سطح محلی و با تمرکز بر بعد معینی از توانمندی پیگیری شوند، اما به جهت موفقیت در حصول به نتایج مورد نظر نباید از زمینه فراگیرتر آن غفلت شود.

- 
1. Cattaneo and Chapman
  2. Alsop, Bertelsen and Holland
  3. Asthana



## روش پژوهش

فرا تحلیل با نگاه تراکمی نسبت به نتایج فعالیت‌های پژوهشی سعی دارد که تصویری کلی از تحقیقات را در حوزه‌های مختلف ارائه دهد، و به پژوهش‌گر این امکان را بدهد که داده‌های به دست آمده از بررسی چندین مطالعه را با هم ترکیب کند و به نتایج جامع‌تری برسد (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷). این پژوهش، به منظور مرور نظام‌مند مطالعات حوزه توانمندسازی زنان روستایی و شهری، که هدف اصلی این مطالعه است، از روش فرا تحلیل کیفی استفاده کرده است. فرا تحلیل کیفی برخلاف فرا تحلیل کمی که جنبه استنباطی دارد و با بهره‌گیری از روش‌های آماری به ادغام نتایج پژوهش‌های مختلف در یک حوزه به منظور دستیابی به نتایج کاربردی‌تر اقدام می‌کند، بیشتر از آماره‌های توصیفی استفاده می‌کند و مشخص کردن فراوانی، درصد فراوانی، فراوانی تجمعی و درصد فراوانی تجمعی نیز از مهم‌ترین ارکان این تحلیل محسوب می‌شود (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷؛ رضاییان، ۱۳۸۴). به طور کلی فرا تحلیل کیفی در مطالعاتی که برخی از منابع مورد نظر به روش‌های کیفی انجام شده‌اند یا زمانی که جنبه‌های توصیفی بیش از ابعاد تحلیلی مد نظر باشند و همچنین در مواردی که گزارش‌های مربوط به تحلیل‌های کمی در منابع مورد نظر الگوهای تکرار شونده چندانی نداشته باشند، بیشتر مورد استناد قرار می‌گیرد (پارک و گریتز، ۲۰۰۷ و کی، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر در اینجا رویکرد کیفی در روش‌شناسی پژوهش مطرح نیست، بلکه به کارگیری یا عدم به کارگیری تحلیل‌های آماری استنباطی از جمله بررسی اندازه تأثیر متغیرها است که کمی یا کیفی بودن فرا تحلیل را مشخص می‌کند.

فرا تحلیل حاضر، با بررسی ادبیات موضوع از طریق مطالعه اسنادی آغاز و سپس با جستجو و گردآوری آثار و منابع لازم ادامه یافت. فرایند جستجو با مراجعه به دو سایت ایرانی شامل پایگاه اطلاعاتی علمی جهاد دانشگاهی و پایگاه استنادی نورمگز و استخراج تمامی مقاله‌های علمی و پژوهشی فارسی در حوزه توانمندسازی پیش برده شد. بازه زمانی مورد نظر از فروردین ۱۳۷۵ تا اسفند ماه ۱۳۹۵ بوده است. مقاله‌های استخراج شده در گام نخست شصت مقاله را در بر می‌گرفت؛ در ادامه از بین این شصت مقاله، چهل و دو مقاله‌ای که شامل

1. Park and gretzel
2. Ke

واژه‌های زنان روستایی یا زنان شهری در عنوان، چکیده یا کلمات کلیدی بودند، برای استخراج داده‌ها و بررسی بیشتر گزینش شدند.

گام بعدی در فرایند فراتحلیل تهیه کاربرگ استخراج داده‌ها بود که با مراجعه به نمونه‌های مشابه از فراتحلیل‌های کیفی در ایران (برای نمونه توکل و عرفان منش، ۱۳۹۳؛ حسینی، ثنایی، پورحسین و کراسکیان، ۱۳۹۶ و ذاکر صالحی و قانعی راد، ۱۳۹۴) و مشخص ساختن قالب‌های مضمونی لازم برای انجام فرایند استخراج داده‌ها، معین و صورت‌بندی شد.<sup>۱</sup> این کاربرگ ابتدا برای یکایک مقالات تکمیل و سپس یافته‌ها بر اساس تجمیع داده‌های این کاربرگ‌ها در قالب جداول مختلف ساماندهی، ارائه و توصیف شده است.

در این فراتحلیل کیفی مطابق با الگوی پیشنهادی ذاکر صالحی و قانعی راد (۱۳۹۴) به روندها و فنون زیر به منظور افزایش روایی و پایایی تحقیق توجه شد:

- طیف گسترده‌ای از مطالعات قبلی به فرایند تحقیق وارد شد.
- فهرست آثار انتخاب شده از نظر علمی بودن به نظر دو نفر متخصص (عضو هیئت علمی) رسید و آثاری حذف شد که به لحاظ علمی ویژگی‌های ضعیفی داشتند (ضعیف از جهت مشخص نبودن مرجع یا نویسنده یا مرتبط نبودن به موضوع تحقیق).
- کاربرگ خام تهیه شده (ابزار استخراج داده‌ها) توسط یک متخصص (از اعضای هیئت علمی) بازبینی شد.
- برای اعتباربخشی به نتایج، کاربرگ‌های داده‌های استخراج شده از متن مقالات را یکی از اعضای هیئت علمی مشاهده کرد و با متن مقالات مقایسه شد تا انطباق آن‌ها با متن تأیید شود.
- محققان بارها به متن مقالات و کاربرگ‌ها مراجعه و داده‌ها را بازخوانی کردند تا همگونی یافته‌ها و واقعیت‌های موجود در اسناد محرز شود.
- هر یک از آثار ابتدا در قالب کاربرگ کلی تهیه شده (در فرمت فایل اکسل) و بر اساس مضامین منتخب کدگذاری شد. آنگاه مضامین حاصل سازمان‌دهی و در قالب

۱. به عنوان مثال متغیر وابسته مورد بررسی در هر مقاله به عنوان یک مضمون اصلی در نظر گرفته شد. سپس متغیر وابسته به تفکیک در مطالعات شهری و روستایی و در هر یک از این دو دسته نیز انواع رایج از صورت‌بندی مفهومی متغیر وابسته به عنوان یک مضمون فرعی مورد توجه قرار گرفت.



جدول‌های تفکیک شده بر اساس مقوله‌های اصلی مورد نظر، در کنار یکدیگر قرار گرفتند تا توصیف جامع‌تری از وضع موجود به دست آید.

- قابلیت اتکا و همسانی نتایج، از طریق کنار هم قراردادن یافته‌های به دست آمده در هر مرحله کنترل شد. همچنین اگر در هر مرحله از تحقیق تناقضی اتفاق می‌افتاد، داده‌ها بازبینی می‌شد.

### یافته‌های پژوهش

سیمای پژوهش‌های مورد بررسی: طبقه‌بندی محدوده زمانی انجام پژوهش‌ها بر اساس دهه‌های زمانی ۱۳۷۰ - ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ - ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ - ۱۳۹۵ حاکی از آن است که عمده تحقیقات و مطالعات انجام شده در حوزه توانمندسازی زنان در دو بخش روستایی و شهری مربوط به بازه آخر، یعنی سال‌های ۱۳۹۰ - ۱۳۹۵ است، به طوری که ۷۳ درصد پژوهش‌های انجام شده در خصوص توانمندسازی زنان روستایی - یا شهری انجام شده است. اما در سال‌های دهه ۸۰ تنها ۱۷ درصد از تحقیقات علمی - پژوهشی این موضوع را بررسی کرده‌اند. در بررسی جنسیت مؤلفان (نویسنده مسئول) پژوهش‌های مورد مطالعه مشخص شد که ۶۹ درصد محققان حوزه توانمندسازی زنان را مردان و ۳۱ درصد را زنان تشکیل می‌دادند<sup>۱</sup>. البته، اغلب این تحقیقات بیش از یک مؤلف داشتند.

### روش پژوهش

نوع روش تحقیق: بررسی و دسته‌بندی روش‌شناسی به کار رفته در تحقیقات مرور شده حاکی از آن است که بیش از نیمی از تحقیقات مرور شده در حوزه توانمندسازی زنان معادل ۶۶/۶۶ درصد با روش پیمایش انجام شده است. همچنین ۲۳/۷۸ درصد از سایر تحقیقات نیز با روش پیمایش و همراهی یک روش مکمل پیش برده شده‌اند. روش اجرای ۹/۵۲ درصد از تحقیقات انجام شده در این حوزه نیز گراند تئوری بوده است (جدول ۱).

۱. بررسی جنسیت مؤلفان به ویژه از حیث پیشبرد تحلیل‌های انتقادی فمینیستی ناظر بر تأثیر مواضع فرهنگی و معرفتی مجریان پژوهش‌ها در حوزه مسائل زنان بر صورت‌بندی و جهت‌گیری یافته‌ها و نتایج ارائه شده، می‌تواند حائز اهمیت و توجه باشد.

جدول ۱: دسته‌بندی مطالعات بر حسب نوع روش تحقیق

درصد	فراوانی	نوع روش
۶۶/۶۶	۲۸	پیمایش
۱۴/۲۶	۶	پیمایش-تحلیل عاملی
۹/۵۲	۴	گراند تئوری
۲/۳۸	۱	پانل
۲/۳۸	۱	پیمایش-تحلیل محتوا
۷/۱۴	۳	پیمایش-مطالعه اسنادی
۱۰۰	۴۲	مجموع

پروبلما تیک پژوهش‌ها بر اساس رویکرد روش‌شناختی: در بررسی رویکرد روش‌شناختی تحقیقات مورد مطالعه (جدول ۲) مشخص شد که ۳۰/۹ درصد از تحقیقات رویکرد توصیفی-تحلیلی، ۲۸/۸ درصد تحقیقات نیز رویکردی توصیفی و ۱۱/۹ درصد از تحقیقات رویکرد تحلیلی داشته‌اند. همچنین ۱۶/۶ درصد از تحقیقات مورد مطالعه توصیفی-کاربردی و ۱۱/۹ درصد از تحقیقات مذکور کاربردی بوده‌اند.

جدول ۲: دسته‌بندی مطالعات بر حسب نوع روش تحقیق

درصد	فراوانی	مقوله‌بندی مقالات
۳۰/۹	۱۳	توصیفی-تحلیلی
۲۸/۵	۱۲	توصیفی
۱۱/۹	۵	تحلیلی
۱۶/۶	۷	توصیفی-کاربردی
۱۱/۹	۵	کاربردی
۱۰۰	۴۲	مجموع

جامعه آماری پژوهش‌های بررسی شده: مقیاس جامعه‌های آماری مورد بررسی در تحقیقات مرور شده را می‌توان در قالب دو دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. شهری، ۲. روستایی. بر اساس محاسبات انجام شده جامعه آماری ۶۹/۰۴ درصد تحقیقات در مقیاس شهری و ۲۸/۵۸ درصد تحقیقات در مقیاس روستایی و در نهایت ۲/۳۸ درصد از تحقیقات در این حوزه در مقیاس کشوری انجام شده‌است (جدول ۳).



جدول ۳: جامعه آماری تحقیقات مورد بررسی

درصد	فراوانی	مقیاس بررسی
۶۹/۰۴	۲۹	شهری
۲۸/۵۸	۱۲	روستایی
۲/۳۸	۱	کشوری
۱۰۰	۴۲	مجموع

حجم نمونه‌های مورد بررسی: بر اساس نتایج حاصل (جدول ۴) در مجموع تحقیقات مرور شده، معادل ۸۴۸۸ نمونه آماری بررسی شده است. دسته‌بندی این نمونه‌ها بر اساس رویکردهای روشی آن‌ها، نشان‌دهنده این است که ۷۶/۴۹ درصد نمونه‌ها بر اساس رویکرد کمی و با روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده‌است، همچنین ۱۱/۴۸ درصد نمونه علاوه بر پیمایش بر اساس تحلیل عاملی نیز جمع‌آوری شده‌است. ۲/۵۵ درصد از نمونه مورد بحث نیز با رویکرد کیفی استخراج شد و مجموعاً ۳/۸۱ درصد از نمونه با روش ترکیبی کمی و کیفی گردآوری شده‌است.

جدول ۴: حجم نمونه‌های مورد بررسی

رویکرد	نوع روش	تکنیک	فراوانی	درصد
کمی	پیمایش	پرسشنامه	۶۴۶۲	۷۶/۴۹
	پیمایش-تحلیل عاملی	پرسشنامه	۹۷۵	۱۱/۴۸
کیفی	تحلیل محتوا	مصاحبه	۲۱۷	۲/۵۵
	گراند تئوری	اسناد		
	پانل			
کمی-کیفی	پیمایش-تحلیل محتوا	پرسشنامه	۵۱۰	۶
	پیمایش مطابعه اسنادی	پرسشنامه	۳۲۴	۳/۸۱
		اسناد		
مجموع			۸۴۸۸	۱۰۰

### انواع متغیرهای وابسته مورد بررسی

متغیرهای وابسته مورد بررسی در تحقیقات مرور شده علاوه بر «توانمندسازی زنان» موارد دیگری به شرح جدول ۵ را در بر گرفته‌است.

جدول ۵: متغیرهای وابسته مورد بررسی در تحقیقات حوزه توانمندسازی زنان

متغیرها	فراوانی	درصد
توانمندسازی زنان	۲۴	۸۰
شهری		
توانمندسازی روان‌شناختی زنان	۳	۱۰
توانمندی اجتماعی زنان	۲	۶/۶۶
توانمندسازی اقتصادی زنان	۱	۱۲/۶۳
مجموع	۳۰	۱۰۰
روستای		
توانمندسازی زنان در جامعه روستایی	۶	۵۰
توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی	۴	۳۳/۳۳
توانمندی روان‌شناختی زنان روستایی	۲	۱۶/۶۶
مجموع	۱۲	۱۰۰

### پارادایم‌شناسی و نظریات حاکم بر تحلیل‌ها

پارادایم‌های تبیینی و نظریات حاکم بر تحقیقات مرور شده، در قالب پنج دسته خرد، خرد-میانی، میانی-کلان، کلان و سایر نظریات طبقه‌بندی شدند (جدول ۶). بر این اساس می‌توان گفت که رایج‌ترین طبقه از پارادایم‌ها در تحقیقات مربوط به حوزه توانمندی نظریات کلان هستند که میان نظریات سطح کلان می‌توان به نظریه سارا لانگه به عنوان رایج‌ترین نظریه مورد استفاده در این تحقیقات اشاره کرد و پس از آن نظریه نایلا کبیر است که در سطح خرد-میانی قرار دارد.

جدول ۶: پارادایم‌شناسی نظریات حاکم بر تحلیل‌ها

سطح	نظریه پردازان	فراوانی	درصد
خرد	اسپریتزر	۳	۷/۱۴
	توماس و ولنهاوس	۲	۴/۷۶
خرد-میانی	نایلا کبیر	۹	۲۱/۴۲
	مالهوترا	۲	۴/۷۶
میانی کلان	آنتونی گیدنز	۶	۱۴/۲۸
کلان	سارا لانگه	۹	۲۱/۴۲
	جیف و اسکات	۲	۴/۷۶
	رویکردهای فمینیستی	۶	۱۴/۲۸
سایر		۳	۷/۱۴



### عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان شهری و روستایی

در بررسی یافته‌های تحقیقات مرتبط با توانمندسازی زنان شهری، عوامل مؤثر و مرتبط بر توانمندسازی آن‌ها در سه دسته اجتماعی، اقتصادی و روانی طبقه‌بندی شده‌اند. در سطح اجتماعی تحصیلات با ۱۲/۶۳ درصد موارد و اشتغال زنان با ۱۱/۵۷ درصد به عنوان رایج‌ترین عامل مؤثر بر توانمندسازی زنان شهری شناخته شده‌اند. در سطح اقتصادی نیز درآمد ماهیانه حدود ۵ درصد از عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان را در شهر شامل می‌شود. همچنین در سطح روانی نیز احساس ارزشمندی مهم‌ترین عامل مؤثر بر توانمندسازی زنان در شهر است. در بررسی یافته‌های تحقیقات مرتبط با توانمندی زنان روستایی نیز تحصیلات با ۶ مورد فراوانی و ۱۳/۹۵ درصد از رایج‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی است. در سطح اقتصادی نیز میزان آزادی زنان در فعالیت‌های اقتصادی، دسترسی به عوامل تولید و وضعیت اشتغال با ۶/۹۷ درصد رایج‌ترین عامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی بوده است. همچنین در سطح روانی نیز اعتماد به نفس و احساس خود اثربخشی با ۴/۶۵ درصد از عوامل روانی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی بوده است (جدول ۷).

جدول ۷: عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی و شهری

عوامل تأثیرگذار	زنان شهر	فراوانی درصد	زنان روستا	فراوانی درصد
اجتماعی	تحصیلات	۱۲	تحصیلات	۱۲/۶۳
	اشتغال زنان	۱۱	آگاهی اجتماعی	۱۱/۵۷
	برنامه آموزشی و تبلیغاتی رسانه ملی	۷	تعامل اجتماعی	۷/۳۶
	سن	۶	تعداد اعضای خانواده	۶/۳۱
	آموزش عمومی	۲	سن	۲/۱۰
	خدمات مشاوره	۲	مشارکت اجتماعی	۲/۱۰
	تأهل	۳	میزان مطالعه نشریات و روزنامه و استفاده از اینترنت	۳/۱۵
	بالا بردن سلامتی	۲	میزان استفاده از برنامه‌ها رادیو و تلویزیون	۲/۱۰
	برخورداری از حق مالکیت قانونی	۲	وضعیت تأهل	۲/۱۰



عوامل تأثیرگذار	زنان شهر	فراوانی	درصد	زنان روستا	فراوانی	درصد
	تصورات قالب جنسیتی	۲	۲/۱۰	خشونت کلامی و فیزیکی	۱	۲/۳۲
	حذف باورهای سنتی	۲	۲/۱۰	طلاق	۱	۲/۳۲
	حمایت اجتماعی	۲	۲/۱۰	خدمات ترویجی و آموزشی	۱	۲/۳۲
	تبعیض در بازار کار	۲	۲/۱۰			
	دسترسی به اطلاعات	۲	۲/۱۰			
	روابط اجتماعی	۲	۲/۱۰			
	فرزندان	۲	۲/۱۰			
	کم بودن بعد خانوار	۲	۲/۱۰			
	طرده اجتماعی	۱	۱/۰۵			
	فضای مجازی	۱	۱/۰۵			
	منزل مسکونی	۱	۱/۰۵			
	وضعیت همسر	۱	۱/۰۵			
	امنیت اجتماعی	۱	۱/۰۵			
اقتصادی	درآمد ماهانه	۵	۵/۲۶	میزان آزادی زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی	۳	۶/۹۷
	خوداشتغالی	۴	۴/۲۱	دسترسی به عوامل تولید	۳	۶/۹۷
	داشتن سابقه کار	۳	۳/۱۵	وضعیت اشتغال	۳	۶/۹۷
	برخوردری از مهارت‌های فنی و حرفه‌ای	۳	۳/۱۵	کشاورزی و دامداری	۲	۴/۶۵
	دسترسی به منابع مالی	۳	۳/۱۵	میزان گرفتن وام از منابع گوناگون	۱	۲/۳۲
	دریافت وام	۱	۱/۰۵	ساعت کار	۱	۲/۳۲
روانی	احساس ارزشمندی	۴	۴/۲۱	افزایش احساس خود اثربخشی	۲	۴/۶۵
	میزان خلاقیت و اعتماد به نفس زنان	۲	۲/۱۰	اعتماد به نفس	۲	۴/۶۵
	احساس برابری	۱	۱/۰۵			
	افزایش توان حل مسأله	۱	۱/۰۵			

### بحث و نتیجه‌گیری

مرور مطالعات انجام شده پیرامون توانمندسازی شهری و روستایی و بررسی پژوهش‌های غیر فارسی مرتبط، نشان‌دهنده پویایی و تنوع قابل توجه قلمرو نظری و تجربی توانمندسازی زنان است. مفهوم کلیدی در عموم رویکردهای نظری و بررسی‌های تجربی مرتبط با توانمندسازی

زنان مقوله قدرت و حق انتخاب است (سن، ۱۹۹۳؛ کبیر، ۲۰۰۱ و لانگه، ۱۹۹۱). در واقع در اینجا تأکید بر صورتی از قدرت است که از طریق ارتقاء سطح مهارت و آگاهی‌های زنان، زمینه‌سازی برای ایجاد کسب و کارهای مطلوب برای آنها، مهیا کردن شرایط تحصیل ایشان و سازوکارهایی از این دست حاصل می‌شود و زنان می‌توانند به واسطه آن از حصار قدرت‌های محدودیت‌ساز و بازدارنده خارج شده و به توانمندی برسند.

یافته‌های تحقیقات ایرانی در حوزه توانمندسازی زنان روستایی و شهری نشان داد که عواملی مانند تحصیلات، اشتغال، برخورداری از مهارت‌های اجتماعی، اعتماد به نفس، برخورداری از بیمه، داشتن اعتبارات خرد، آگاهی اجتماعی، خود اثربخشی، حذف باورهای سنتی درباره زنان، خود اشتغالی، درآمد ماهانه، آزادی و سازمان‌های حمایتی و غیره از موارد مؤثر بر ارتقاء توانمندسازی زنان روستایی و شهری است (کلانتری، شعبانعلی فمی و سروش مهر، ۱۳۸۹؛ رزافشانی، علی بیگی و فقیری، ۱۳۹۱؛ بیدهندی، اسکندری توده و خانی، ۱۳۹۱؛ سبک بار، نعمتی و خاکی، ۱۳۹۱؛ نوری، کریمی و کشاورزی، ۱۳۹۳؛ رحیمیان و قلی‌پور، ۱۳۸۸؛ اله‌یاری و اسدی، ۱۳۹۲). چنین نتایجی با موارد گزارش شده در تحقیقات غیر فارسی تا حدودی همخوانی داشته است که عواملی مانند تحصیلات، سازمان‌های حمایتی و سازمان‌های مردم نهاد، میزان کنترل بر منابع، وضعیت اقتصادی، برابری جنسیتی و ایجاد کسب کارهای کوچک و اعطای وام و اعتبارات به زنان را از عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان بیان کرده‌اند (اشراف، کارلان و یین، ۲۰۰۹؛ باربر، گرتلر، ۲۰۰۸؛ داس، ۲۰۰۶؛ گیلت، ۲۰۱۵؛ میشر، ۲۰۱۳؛ کبیر، ۲۰۱۲؛ شیرازی، ۲۰۱۲).

در عین حال آنچه که در اغلب مطالعات مرور شده، کم‌تر به آن توجه شده است، تشریح نسبت بین شدت اثرگذاری عوامل مورد اشاره و میزان استقلال یا وابستگی خود این متغیرهای به یکدیگر است. به عنوان مثال اشتغال، درآمد و بیمه متغیرهای اقتصادی هستند که انتظار می‌رود تحقق آنها وابستگی نسبی به یکدیگر داشته باشد و در تحلیل اثرگذاری آنها بر میزان توانمندی باید به این واقعیت توجه کرد. از سوی دیگر فقدان یک یا چند تعریف مفهومی و عملیاتی مشخص از متغیر توانمندی یا توانمندسازی یکی دیگر از چالش‌های متوجه مطالعات تجربی ایرانی در این حوزه است. این موضوع به ویژه در آشفتگی‌های ناظر بر تعیین مرزهای مفهومی بین این متغیر و متغیرهای مستقلی همچون درآمد در بعد اقتصادی، اعتماد به نفس در

بعد روانی و تحصیلات و سطح آگاهی‌ها در بعد اجتماعی توانمندی جلوه‌گر می‌شود. به عبارت دیگر به قدر کافی مشخص نیست که هر یک از این متغیرها عاملی برای توانمندی هستند یا معرفی از آن به حساب می‌آیند.

همچنین مقایسه بین یافته‌های گزارش شده در مطالعات مرتبط با زنان روستایی و شهری نشان‌دهنده جزئی‌نگری بیشتر و بررسی متغیرهای مفصل‌تر در مطالعات شهری نسبت به روستایی است. چنین رویکردی می‌تواند تا حدی ناشی از پیچیدگی‌های بیشتر روابط و مناسبات اجتماعی اقتصادی در محیط‌های شهری باشد، ولی در عین حال هشدار می‌دهد که نسبت به سطحی‌نگری و نگاه تقلیل‌گرایانه در مطالعات مربوط به توانمندسازی زنان روستایی را اعلان می‌دارد. از این رو در مطالعات آینده می‌بایست نسبت به بررسی‌های همزمان بر پایه مدل‌های نظری و مفهومی متناظر در قلمروهای شهری و روستایی اقدام کرد تا امکان ارزیابی و مقایسه دقیق شباهت‌ها و تفاوت‌ها در سطح توانمندی زنان شهری و روستایی و ترکیب‌بندی عوامل مؤثر بر آن فراهم شود.

در مجموع با توجه به گستره مفهومی وسیع و مصادیق متعدد توانمندی و نیز تنوع توجه‌برانگیز در الگوها و سازوکارهای توانمندسازی زنان به ویژه در سطح خرد، دستیابی به الگویی نظام‌مند برای ارزیابی تأثیرات برنامه‌ها و اقدامات اجرایی در حوزه توانمندسازی نیازمند تعریف شاخص‌ها و معرف‌هایی هماهنگ است. در وضعیت موجود به‌رغم تکرار عناوین برخی شاخص‌ها، نحوه تعریف، سنجش و تحلیل آن در مطالعات مختلف تجربی در ایران بیش و کم متفاوت بوده است. این امر امکان مقایسه‌های دقیق کمی و ارزیابی دستاوردهای حاصل از برنامه‌های مداخله‌ای را تا حد زیادی دشوار می‌کند. بنابراین، انجام مطالعات اختصاصی در جهت تهیه و پیشنهاد ابزارهای استاندارد یا شبه‌استاندارد سنجش توانمندی زنان یک اولویت پژوهشی به نظر می‌رسد.

## منابع

- توکل، محمد و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۳). فرا تحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مسأله فرار مغزها در ایران، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۵(۱): ۴۵-۷۵.
- حسینی، سیده فاطمه، ثنایی، باقر، پورحسین، رضا و کراسکیان، آدیس (۱۳۹۶). فرا تحلیل کیفی مقالات پژوهشی حوزه «تعامل والد-نوجوان»، رویش روان شناسی، ۶(۳): ۶۳-۹۴.
- خلعتبری، اسدالله (۱۳۸۷). آمار و روش تحقیق. تهران: پردازش.
- ذاکرسالچی، غلامرضا، قانعی راد، سید محمد امین (۱۳۹۴). مرور نظام مند و فرا تحلیل پژوهش های ایرانی در قلمرو مطالعات اجتماعی علم و فناوری، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۲): ۲۹-۶۳.
- شریفی، محمد امین، اسدی، علی، کلاتری، خلیل و آگهی، حسین (۱۳۸۹). تعیین عوامل مؤثر در تحقق خودکفایی زنان سرپرست خانوار، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۸(۴): ۱۲۱-۱۴۱.
- شفیعا، سعید، شفیعا، محمدعلی و کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۲). فرا تحلیل روش و نتایج پژوهش های کیفیت زندگی شهری در ایران، جامعه شناسی کاربردی، پیاپی ۵۰، ۲۴(۲): ۲۱-۴۰.
- صادقی فسایی، سهیلا و خادمی، عاطفه (۱۳۹۵). فرا تحلیل چهاردهه پژوهش در حوزه مشارکت زنان، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۱۴(۲): ۳۵-۶۲.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۷۹). فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب شناسی اجتماعی در ایران، نامه علوم اجتماعی، ۱۵(۱۵): ۶۷-۱۰۳.
- کرمانی، مهدی (۱۳۹۵). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، تهران: شهر کلهر سمیرا (۱۳۸۸). فرا تحلیل آسیب های اجتماعی در تهران (زنان سرپرست خانوار)، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- معیدفر، سعید و ستار، پروین (۱۳۸۸). فرا تحلیل انجام شده در حوزه مسائل اجتماعی ایران، جامعه شناسی کاربردی، ۳۶: ۹۵-۱۱۰.

- مکنون، رضا و سلیمی، جلیل (۱۳۹۴). فراتحلیل کیفی پژوهش‌های علمی ناظر بر مسأله حکمرانی در ایران، مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۰(۱): ۳-۱۰.
- موحدی، رضا و علی توکلی، فاطمه (۱۳۹۶)، تحلیل موانع تجمع سرمایه‌های خرد زنان در تعاونی‌های زنان روستایی شهرستان جیرفت، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۵(۱): ۹۹-۱۳۳.
- وطن‌خواه نوغانی، آتنا، قاسمی، مریم و جوان، جعفر (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجر فرست بر اساس ماتریس SWOT و qspm مطالعه موردی: شهرستان مشهد، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۴(۳): ۶۱-۹۲.

- Alsop, Ruth., Bertelsen, Mette. and Holland, Jeremy. (2006). *Empowerment in Practice: From Analysis to Implementation*. Washington: World Bank.
- Ashraf, N., Karlan, D. and Yin, W. (2010). Female empowerment: Impact of a commitment savings product in the Philippines. *World development*, 38(3): 333-344.
- Asthana, S (1996). Women's health and women's empowerment: a locality perspective. *Health and Place*. 2(1): 1-13.
- Barber, S. L. and Gertler, P. J. (2008). Empowering women to obtain high quality care: evidence from an evaluation of Mexico's conditional cash transfer programme. *Health Policy and Planning*, 24(1): 18-25.
- Bardasi, E. Garcia, G. York, N. Gaarder, M. Sundberg, M. Kumar.A. and Heider, C (WORLD BANK GROUP), (2012). *Women's empowerment in rural community-driven development projects*, Washington: World Bank group.
- Cattaneo, L. B. and Chapman, A. R. (2010). The process of empowerment: A model for use in research and practice. *American Psychologist*, 65(7): 646.
- Donta, B., Nair, S., Begum, S. and Prakasam, C. P. (2016). Association of domestic violence from husband and women empowerment in slum community, Mumbai. *Journal of interpersonal violence*, 31(12): 2227-2239.
- Kabeer, Naila. (2003). *Gender Mainstreaming in Poverty Eradication and the Millenium Development Goals: A Handbook for Policy-makers and Other Stakeholders*. Commonwealth Secretariat, CIDA, IDRC.
- Kabeer, n. (2012). *Women's economic empowerment and inclusive growth: labour markets and enterprise development*, International Development Research Centre (IDRC)
- Kalhor., Samira. (2009). *Meta-analysis of social problems of Tehran* (female-headed



- households). Department of social and cultural studies, Tehran municipality (Text in Persian).
- Kar, S. B., Pascual, C. A. and Chickering, K. L. (1999). Empowerment of women for health promotion: a meta-analysis. *Social Science & Medicine*, 49(11): 1431-1460.
- Karmakar, P. P. and Khuntia, B. (2016). Women Empowerment as catalyst of overall development of Slum settlement-pilot study area, jokalandi, cluster I to VIII, Bhubaneswar, *Odisha. Population*, 89(219129): 308-614
- Ke, F. (2009). A qualitative meta-analysis of computer games as learning tools. *Handbook of research on effective electronic gaming in education*, 1: 1-32.
- Kermani, Mehdi. (2016). *Empowerment of women heads of households*, Tehran: Shahr Publication (Text in Persian).
- Khademi, Atefeh. and Sadeghi Fasa'i, Soheila. (2016). Four decades of research in the field of women's participation, *Quarterly journal of woman studies sociological and psychological*, 14(2): 34-70 (Text in Persian).
- Khalatbari, Asadullah. (2008). *Statistics and research method*, Tehran: Farayand (Text in Persian).
- Longwe Sara H. (1991). Gender Awareness: the Missing Element in the Third World Development Project, a Chapter of "*Changing Perceptions: Writing on Gender and Development*", by Wallace T. & March C.: OXFAM.
- Mahmud, S., Shah, N. M. and Becker, S. (2012). Measurement of women's empowerment in rural Bangladesh. *World development*, 40(3): 610-619.
- Maknon, R., & Salimi., J (2018). Qualitative meta-analysis of scientific research on the issue of governance in Iran, *Quarterly journal of research governmental management*, 10(33) (Text in Persian).
- Mishra, P. J. (2013). A Study of Sources and Mechanisms Leading to Empowerment of Women Living in Certain Slum Areas of New Delhi, India. *The Indian Journal of Research*, 7(2): 82.
- Mouedfar, Saeed and Parvin, Sattar (2009), Transformation of studies in social issues of Iran, *Journal of applied sociology*, 20(4): 135-151 (Text in Persian).
- Movahedi, Reza and Ali Tavakoli, Fatemeh (2017). Analysis of obstacles to aggregating microfinance of women in rural women's cooperatives in Jiroft city, *Quarterly journal of woman studies sociological and psychological*, (50): 1-36 (Text in Persian).
- Pal, D. and Dutta, O. (2015). Microcredit and empowerment of urban women: A study from Eastern India. *Strategic Change*, 24(2): 149-163.
- Park, Y. A. and Gretzel, U. (2007). Success factors for destination marketing web sites: A qualitative meta-analysis. *Journal of travel research*, 46(1): 46-63.
- PONG, T. M. P. and Wahhaj, Z. (2012). Microfinance and gender empowerment. *Journal of Development Economics*, 99(1): 1-12.

- Salami, Jalil. and Maknon, Reza. (2018). Qualitative meta-analysis of scientific research on the issue of governance in Iran, *Quarterly journal of research governmental management*, 10(33) (Text in Persian)..
- Samarakoon, S., & Parinduri, R. A. (2015). Does education empower women? Evidence from Indonesia. *World Development*, 66: 428-442.
- Sen, Gita. (1994). *Women's empowerment and human rights: The challenge to policy. the complex reality. A report of the Population Summit of the world's scientific academies*, edited by Francis Graham-Smith. London, England, Royal Society.
- Sediq Sarvestani, Rahmatollah (2000). Meta-analysis of studies on social pathology in Iran, *social sciences letter*, 15(15): 67-103(Text in Persian).
- Shafia, Saeed . Shafia, Mohammad, Ali. and Kazemian, Gholamreza. (2013). Meta-Analysis of methods and findings of urban quality of life in Iran, *Journal of applied sociology*. 24(2): 21-49(Text in Persian).
- Sharifi, Mohammadamin., Asadi, Ali., Kalantari, Khalil and agahi, Hossein (2010). Specify effective factors in self-sufficiency of female headed households, *Quarterly journal of woman studies sociological and psychological*, 8(4): 121-141(Text in Persian).
- Shirazi, F. (2012). Information and communication technology and women empowerment in Iran. *Telematics and Informatics*, 29(1): 45-55.
- Tavakol, M., & Erfanmanesh, I. (2014). Qualitative Meta-Analysis of Scientific Articles Concerning the Brain Drain Issue in Iran. *Iranian Journal of Social Problems*, 5(1), 45-75(Text in Persian).
- Vatankhah Noghani, Atena., Ghasemi, Maryam. and Javan, Jafar. (2016). Identify and prioritize strategies for the empowerment of women in rural migration: Based on the SWOT matrix technique QSPM (Case Study: Mashhad County), *Quarterly journal of woman studies sociological and psychological*, 14(3): 30-50(Text in Persian).
- Zaker-salehi, Gholamreza. and Ghaneirad, Seyed Mohammad Amin (2015). A systematic review and a meta-analysis of Iranian researches in the field of social studies of science and technology. *Iranian Journal of social studies*, 9(2): 29-63(Text in Persian).





## ***A Qualitative Meta-Analysis of Two Decades of Research on the Empowerment of Rural and Urban Women in Iran***

Mahdi Kermani\*<sup>1</sup>

Mohsen Noghani Dokht Bahmani<sup>2</sup>

Zahra Baradaran Kashani<sup>3</sup>

### ***Abstract***

The present study attempts to conduct a qualitative analysis of studies on rural and urban women empowerment. Accordingly, in the first step, all scientific and research articles were extracted from the scientific information database of ACECR (SID) and the Noor specialized magazines website (Noormags). The search was conducted during the period 1996-2016 with the keyword *empowerment*, which led to the identification of 60 papers. Subsequently, forty-two articles that included the words "rural women" or "urban women" in the title, abstract, or keywords were selected for extraction of data and further study. According to the findings of the present study, studies in this area have two general orientations. Some studies seek theoretical analysis and provide interventional models for the empowerment of the target groups. Others have looked at the empowerment process of women empirically, taking into account different samples of rural and urban women. Overall, factors such as education, employment, social skills, self-confidence, self-worth and public education have been influential in the empowerment of rural and urban women.

### ***Keyword:***

empowerment, rural women, urban women, qualitative meta-analysis

---

1. Faculty member and Assistant Professor of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad

\*. Corresponding Author: m-kermani@um.ac.ir

2. Faculty member and Associate Professor of Sociology, Ferdowsi University of Mashhad

3. MS student in social science research, Ferdowsi University of Mashhad

Submit Date: 2017-12-15

Accept Date: 2018-7-13

DOI: 10.22051/jwsps.2018.18490.1620